

مقارنه احكام ولد به شبهه از منظر صاحب جواهر و ابن قدامه

وحید الرحمن مدقق (افغانستان)^۱، فرهاد پورکیوان (ایران)^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

چکیده

مسئله شبهه در همه ابواب فقه از جمله باب نکاح کاربرد دارد. در مباحث فقهی تحت عنوان قاعده درء مطرح است. از آنجاکه شبهه در نکاح دارای احکام و آثار مهمی است و بررسی آرای علما و فقهای شیعه و اهل سنت جایگاه ویژه‌ای در فقه دارد و از دیرباز مورد توجه بوده است، به بررسی احکام و آثار وطی به شبهه از دیدگاه فقه شیعه و حنبلی با تکیه بر آرای صاحب جواهر و ابن قدامه پرداخته شده است. با بررسی آرای این دو فقیه، این نتیجه به دست آمد که در بسیاری از موارد بین آنها شباهت وجود دارد که مهم‌ترین آن این است که هر دو اکثر احکام و آثار وطی به شبهه را ملحق به نکاح صحیح می‌دانند؛ از این رو زنا بودن وطی به شبهه منتفی است؛ احکام نکاح از جمله مصاهرت در طرفین شبهه، مهرالمثل و عدّه طلاق برای موطوئه به شبهه، الحاق نسب به کسی که شبهه بر او عارض شده، نفقه و ارث ولد شبهه و برداشتن حد از مشتبه در باب شبهه ثابت است. اختلافات بسیار کمی از جمله در تداخل عده وجود دارد.

کلید واژه‌ها: وطی، شبهه، طفل، نسب، تولد، فقه، امامیه، تسنن.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد - گروه فقه و اصول - دانشکده فقه خانواده - جامعه المصطفی (ص) - دانشگاه

مجازی المصطفی (ص) - قم wmdaqqv۳@gamil.com (نویسنده مسئول)

۲. استاد همکار - استادیار - گروه فقه و اصول - دانشکده فقه خانواده - جامعه المصطفی (ص) - دانشگاه مجازی

المصطفی (ص) - قم

دانشگاه مجازی المصطفی (ص) farhad_porkyvan@miu.ac.ir

مبانی نظر پژوهشی

فقه: دانش به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی است

تعریف معروف: فقه در اصطلاح عبارت است از: روشی که به وسیله آن احکام شرعی را از ادله تفصیلی به دست می‌آوریم. «دلایل تفصیلی» از نظر بیشتر علمای مسلمان عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و عقل.

شیعه: در لغت به معنای پیرو، یار و گروه است و در اصطلاح، به کسانی می‌گویند که معتقدند بنابر احادیثی که از پیامبر اسلام (ص) نقل شده، امام علی (ع) جانشین بلا فصل او است؛ در برابر اهل سنت که می‌گویند پیامبر جانشینش را تعیین نکرده بود و به دلیل اجماع مسلمانان در بیعت با ابوبکر، وی جانشین پیامبر است.

مقدمه

گاهی انسان عمل حرام را به اشتباه مرتکب میشود. اشتباه دارای انواع گوناگونی است که در فقه از آن به شبهه یاد میشود. شبهه در همه ابواب فقه از جمله در باب نکاح کاربرد دارد. از آنجا که نکاح از مهمترین ابواب فقه است، مسئله شبهه در آن نیز از مهمترین مسائل است. این مسئله از بدو تشریع اسلام به عنوان قاعده در مورد توجه قرار گرفته است. عموم فقهای شیعه و سنی از جمله صاحب جواهر از فقهای شیعه (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۲۹، ص ۳۷۳) و ابن قدامه از فقهای حنبلی (ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۸، ص ۹۸) درباره شبهه در نکاح بحث کرده‌اند. در منابع روایی شیعه و اهل سنت نیز به شبهه و انواع آن اشاره شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۲ هـ، ج ۶، ص ۴؛ ج ۵، ص ۷۰؛ ابنابیشیه، ۱۴۰۹ هـ، ج ۵، ص ۵۶۵؛ ج ۴، ص ۱۰). به طور کلی شبهه گاهی مربوط به حکم است و گاهی مربوط به موضوع، و در باب نکاح ممکن است شبهه در عقد باشد یا در فعل، اعم از اینکه شبهه در حکم باشد یا در موضوع (محقق داماد، ۱۴۰۶ هـ، ج ۴، ص ۵۴). فقهای امامیه و اهل سنت شبهه را به اقسام گوناگون، از جمله

مقارنه احکام ولد به شبهه از منظر صاحب جواهر و ابن قدامه/ ۲۰۳

شبهه در فعل، شبهه در فاعل، شبهه در عقد، تقسیم و برای هر کدام تعاریف مختلفی را بیان کرده‌اند. صاحب جواهر با توجه به ظن فاعل به استحقاق، یا صدور فعل به خاطر جهالتی که در شرع بخشیده شده است و برداشت شدن تکلیف به سبب غیر حرام از مکلف، شبهه را به سه قسم تقسیم کرده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۲۴۴-۲۴۵)؛ این اقدام این نوع تقسیم‌بندی را بیان نکرده است، اما در بیان احکام شبهه در نکاح، به شبهه در عقد و شبهه در فعل و شبهه در فاعل اشاره دارد. به منظور الحاق آثار و طی به شبهه به نکاح صحیح، باید احکام و آثار آن بررسی شود. مهر، نفقه، عده، نسب، عدم ثبوت حد زنا و توارث میان دو طرف، از جمله احکام نکاح‌اند که باید دید از منظر صاحب جواهر و این اقدام، شبهه در کدام یک از این احکام، ملحق به نکاح است. همچنین در رابطه با نسب ولد شبهه، احکامی از قبیل حضانت، ولایت، رضاع، نشر حرمت، نفقه و ارث مطرح می‌شود که به بررسی آرای فقهای نامبرده در این زمینه خواهیم پرداخت. اهمیت شبهه در باب نکاح از آن جهت است که عنوان زانی و زانیه را از طرفینی که شبهه بر آنها عارض شده است، برمی‌دارد و احکام نکاح صحیح را بر آن مترتب می‌کند.

شبهه: شبهه، تصوّر خلاف حقیقت را گویند. شبهه در لغت به معنی اشتباه است و اشتباه عبارت

است و اشتباه عبارت از تصوّر نادرست و برخلاف حقیقت است که ممکن است انسان از چیزی داشته باشد. و مقصود از آن در فقه این است که مردی با زنی به اعتقاد وجود رابطه زوجیت، نزدیکی نماید و حال آن‌که در حقیقت رابطه مزبور موجود نباشد، این عمل را نزدیکی به شبهه یا وطی به شبهه گویند.

شبهه در اصطلاح: منظور از وطی به شبهه این است که مرد با زنی که به او حرام است با جهل به این حرمت نزدیکی کند که در این صورت، مشهور فقها این مسأله را از موارد فراش دانسته و به نکاح صحیح ملحق کرده‌اند؛ بنابراین اگر ولدی به دنیا آید، به واطی به شبهه ملحق می

شود و نفی ولد، بر او جایز نیست. بنابراین، اصول قوانین نزد اهل سنت و شیعه اقتضا می‌کند تا جایی که امکان دارد حکم بر زنازادگی انسانی نشود که از منی انسان دیگر زاده می‌شود و یک درصد بر فرزند شبهه بودن، بر قاضی واجب است که یک درصد را گرفته و نودونه درصد را برای برتری حلال بر حرام و صحیح بر باطل رها کند و این از مواردی است که ضعیف بر قوی غلبه دارد و اقل بر اکثر؛ زیرا خدای تعالی فرموده است: «... وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...» (بقره/۸۳) و «... اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِثْمَ...» (حجرات/۱۲).

انواع وطی به شبهه و موارد الحاق آن

الف) وطی به شبهه با زن آزاد: یکی از انواع حالات وطی به شبهه، وطی به شبهه با زن آزاد است؛ بدین معنی که زن قبلاً ازدواج نکرده و در قید زوجیت کسی نبوده و نیست؛ در این حالت، پس از وطی به شبهه اگر فرزندی متولد شود، به‌طور قطع به واطی به شبهه ملحق می‌گردد و این احتمال که شاید از زنا به وجود آمده باشد در نظر گرفته نمی‌شود. دلیل این امر هم همان مصلحت طفل و جامعه است که ذکر گردید و نیز این‌که ولد الزنا، به زانی ملحق نمی‌گردد.

ب) وطی به شبهه با زن شوهردار: مورد دیگر، وطی به شبهه با زن شوهردار است. در فقه این سؤال مطرح است که اگر با در نظر گرفتن شروط فراش، امکان الحاق ولد به هر دو (زوج و واطی به شبهه) ممکن بود؛ ولد به کدام یک ملحق می‌شود؟ در این مورد اقوال مختلفی وجود دارد. مشهور فقها قائل به قرعه شده‌اند؛ چه هر دو حالت، مصادیق قاعده فراش می‌باشند.

اما برخی دیگر بر این عقیده‌اند که قرعه، مربوط به هنگامی است که اماره دیگری وجود ندارد؛ درحالی‌که شارع، فراش را از ابتدا اماره‌ای برای وجود ولد به صاحب فراش قرار داده است تا در هنگام شک، ولد به کسی ملحق شود که حق هم‌بستری با همسرش در فراش را دارد و نیز جمله «الولد للفراش» یک جمله مستقل از «و للعامر الحجر» است و شاملوطی به شبهه نیز می‌

گردد.

حقوق دانان معاصر نیز الحاق طفل به شوهر را موافق مصلحت کودک و خانواده می دانند و چنین توجیه می-کنند که رابطه جنسی زن و شوهر، دائمی است ولی نزدیکی واطی به شبهه با زن شوهردار، اتفاقی است و از این رو احتمال به وجود آمدن نطفه ولد از شوهر، بیشتر و اماره فراش نسبت به او قوی تر است. به نظر می رسد اگر مبنای این قاعده را همان مصلحت خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن بدانیم، نظریه دوم قابل قبول تر باشد.

ج) و طی به شبهه با محارم: مورد آخر و طی به شبهه مطرح شده در فقه و حقوق، و طی به شبهه با محارم است. برخی بر این نظرند که این مورد جزء و طی به شبهه، از مصادیق فراش به شمار نمی آید؛ زیرا مانع ذاتی نکاح از قرابت وجود دارد؛ اما باز هم گروهی بر این عقیده اند که و طی به شبهه، به طور عام مطرح شده و در احکام فقهی بین این نوع نزدیکی و موارد دیگر و طی به شبهه، تفکیک صورت نگرفته است. نظریه دوم، به نفع مصلحت کودک و جامعه است؛ زیرا با قبول آن، طفل از نسب قانونی برخوردار می گردد.

عده و طی به شبهه:

مراد به و طی به شبهه آن است که کسی نزدیکی کند با زنی به اعتقاد آنکه زن خودش هست و زن او نباشد یا عقد کند زنی را به اعتقاد آنکه عقد او صحیح است و نزدیکی کند، بعد معلوم شود عقد او صحیح نبوده.

مساله ۱ - زنی که با او نزدیکی شده است به شبهه، باید عده نگهدارد، چه شوهردار باشد یا نباشد و چه زن و مرد هر دو در اشتباه باشند و چه مرد فقط، و احتیاط واجب عده نگاه داشتن است در صورتی که زن فقط در اشتباه بوده.

مساله ۲ - عده از برای کسی که با او زنا شده است نیست، چه از زنا آستن شده باشد یا نه.

مساله ۳ - عده نزدیکی به شبهه مثل عده طلاق است به تفصیلی که گفته شد.

مساله ۴ - زنانی که عده ندارند در طلاق مثل یائسه و غیر آن، در اینجا نیز عده ندارند.

مساله ۵ - مرد در مدت عده زن خودش که با او به طور اشتباه نزدیکی شده نمی تواند با او نزدیکی کند، و اما دیگر از بهره های زن و شوهری را می تواند بردارد مثل بوسه و غیر آن.
مساله ۶ - نفقه این زن در حال عده با شوهرش هست چه استمتاع بر او جائز باشد و چه نباشد.

مساله ۷ - مردی که با زنی به اشتباه نزدیکی کرده است می تواند او را در این عده به زنی بگیرد، اگر مانع دیگری نداشته باشد، لکن مردان دیگر نمی توانند او را بگیرند.
مساله ۸ - زنی را که طلاق دادند به طلاق رجعی - و آن طلاقی است که شوهر می تواند در عده زن را به نکاح اول خود برگرداند - در حکم زن است؛ مادامی که در عده است باید مرد نفقه و کسوه او را بدهد و مرد و زن از هم ارث می برند و خواهر این زن بر مرد حرام است و کفن زن بر مرد است و زکات فطره اش با مرد است.
مساله ۹ - زنی که به طلاق بائن از مرد جدا شد هیچ یک از احکام زوجیت را ندارد؛ چه در عده و چه در غیر عده.

مساله ۱۰ - در طلاق بائن که گفته شد حکم زوجیت را ندارد، اگر زن از مرد آبستن باشد تا زائیده از مرد حق نفقه و کسوه و محل سکونت دارد.
مساله ۱۱ - در طلاق بائن و رجعی اگر مرد در حال مرض طلاق بدهد زن خود را و از وقت طلاق تا یک سال به همان مرض بمیرد زن از او ارث می برد، و اما اگر بعد از سال بمیرد اگر چه به نصف روز یا کمتر، ارث از او نمی برد.
مساله ۱۲ - ارث بردن زن در مساله یازدهم سه شرط دارد: اول: آنکه بعد از گذشتن عده شوهر نکند. دوم: آنکه مرد از این مرض که در آن طلاق داده خوب نشود، پس اگر خوب شد و باز مریض شد و مرد زن از او ارث نمی برد، بلی در طلاق رجعی اگر در زمان عده بمیرد ارث می برد. سوم: آنکه طلاق به خواهش زن واقع نشود، پس در طلاق خلع که به خواهش زن است و در طلاق مبارات که با التماس هر دوی آنها است ارث نمی برد. (موسسه حقوقی آرافرتاک بهترین موسسه حقوقی در تهران به شماره ثبت ۴۲۳۹۵ می باشد).

وطی در حال مستی:

کسی که در حال مستی با زن اجنبی نزدیکی کند و طی او از مصادیق زنا به حساب می آید و از و طی به شبهه خارج می شود و احکام زنا (ثبوت حد و نفی نسب و نفی مهر) بر آن مترتب می شود. در کتاب جواهر آمده است: و طی در حال مستی زناست و حد بر او جاری می شود و فرزند از او نفی می گردد. (موسسه حقوقی آرازفرتاک بهترین موسسه حقوقی در تهران به شماره ثبت ۴۲۳۹۵ می باشد).

دیدگاه فقها در تحقق شبهه:

البته در این که این اعتقاد باید در چه مرحله ای باشد میان فقیهان اختلاف نظر وجود دارد و اجمال آن بدین قرار است:

عدم	علم	به	تحریم:
بعضی معتقدند در تحقق شبهه، عدم علم به تحریم کافی است، بنابراین نزدیکی دیوانه و کسی که در خواب است و مانند آن نیز داخل در این مفهوم خواهد بود. شیخ طوسی در نهاییه و شهید ثانی در مسالک الافهام و بعضی از معاصرین این نظریه را پذیرفته اند.			

ظن	به	حلیت:
از عبارات برخی دیگر از فقها استفاده می شود که در تحقق شبهه، ظن به حلیت کافی است. بنابراین شامل مطلق ظن هر چند ظنی که معتبر هم نباشد، می گردد. در این صورت نظریه دوم موافق نظریه اول می شود، ولی در تعبیر با هم مختلف می باشند. شیخ طوسی در کتاب الخلاف و محقق حلی و علامه حلی و برخی دیگر طرفدار این نظریه می باشند.		

اعتقاد به حلّیت:

قول سوّم در مساله که بهترین دیدگاه به نظر می‌رسد، این است که در تحقّق شبهه شرط است واطی و کسی که نزدیکی می‌نماید اعتقاد به حلّیت آن داشته باشد، هر چند در مقدمات آن مقصّر باشد. صاحب جواهر

و برخی از فقها معاصر این نظریّه را پذیرفته‌اند. مستند آن بعضی از روایات صحیح السند می‌باشد که توضیح و شیوه استدلال به آن‌ها در موسوعة احکام الاطفال ذکر شده است. آیة‌الله فاضل لنکرانی در این باره می‌نویسد: «مقتضای تحقیق در مثل این روایات این است که در تحقّق شبهه، اعتقاد به حلّیت شرط است هر چند ظاهری باشد.

دیدگاه امام خمینی

امام خمینی در تحریر الوسیله می‌نویسد: «المراد بوطء الشبهة الوطاء الذی لیس بمستحقّ مع عدم العلم بالتحريم، كما اذا وطئ اجنبیّة باعتقاد أنّها زوجته، او مع عدم الطريق المعتبر علیه، بل او الاصل كذلك. ومع ذلك فالمسالة محلّ اشکال. ويلحق به وطاء المجنون و النائم وشبههما، دون السكران اذا كان سكره بشرب المسکر عن عمد وعصیان» یعنی: منظور از وطی شبهه و طیی است که استحقاق آن را ندارد و علم به حرمت و طی ندارد مانند اینکه با زن بیگانه به اعتقاد اینکه زن خودش است نزدیکی نماید، یا طریق معتبری بلکه اصل معتبری بر آن نداشته باشد؛ و مع ذلك مساله مورد اشکال است. و وطی دیوانه و کسی که خواب است و کسی که مانند مجنون و خواب است ملحق به آن می‌شود. و شخص مست در صورتی که مستی‌اش به آشامیدن مسکر از روی عمد و عصیان باشد، به آن ملحق نمی‌شود.

انتساب فرزند وطی به شبهه

به هر حال شبهه یا اعتقاد برخلاف حقیقت به یکی از دو طریق حاصل می شود؛ در اثر جهل به حکم یا جهل به موضوع؛ از این رو شبهه یا حکمی است یا موضوعی. شبهه حکمی مانند این که، مردی با زنی که در عده است ازدواج می کند با اعتقاد به این که ازدواج با چنین زنی از نظر شرعی بلامانع است. شبهه موضوعی، مانند موردی که شخصی با زنی که در عده است به تصوّر این که عده اش سپری شده است، ازدواج نماید.

فاضل اصفهانی: در کشف اللثام آورده است: «در بین فقها اختلافی نیست که در الحاق نسب، وطی به شبهه مانند [نکاح صحیح] است. «مستند این حکم، روایاتی است در حدّ استفاضه و شیوه استدلال و برداشت از آنها در کتب فقهی و نیز در «موسوعة احکام الاطفال ذکر گردیده است.

امام خمینی: در تحریر الوسیله می نویسد: «النسب: اما شرعی، و هو ما کان بسبب وطء حلال ذاتاً بسبب شرعی؛ من نکاح او ملک یمین او تحلیل؛ و ان حرم لعارض من حیض او صیام او اعتکاف او احرام ونحوها. ویلحق به وطء الشبهة. و اما غیر شرعی، و هو ما حصل بالسفاح و الزنا یعنی: نسب یا شرعی است و آن عبارت است از اینکه به سبب وطی که ذاتاً با سببی شرعی - از نکاح یا ملک یمین یا تحلیل - حلال است، حاصل شود، اگرچه به خاطر عوارضی از قبیل حیض یا روزه یا اعتکاف یا احرام و مانند آنها حرام شده باشد. و وطی شبهه به نکاح شرعی ملحق می شود. و یا غیر شرعی است و آن عبارت است از اینکه با سفاح و زنا حاصل شود.

ارث حمل ناشی از وطی به شبهه

صاحب جواهر و ابن‌قدامة تمام احکام از جمله ارث و نفقه را مانند ولد نکاح ثابت میدانند؛ زیرا هر دو نسب را در فرزند شبهه پذیرفتند (نجفی، ۱۴۰۴ه، ج ۳۹، ص ۲۱۹؛ ابن‌قدامة مقدسی، ۱۴۰۵ه، ج ۶، ص ۳۷۵). گاهی شبهه از طرف مرد اتفاق می‌افتد و زن می‌داند که این مرد اجنبی است و گاهی از طرف زن شبهه است و مرد می‌داند که این زن اجنبیه است و گاهی از هر دو طرف شبهه است، طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق به طرفی می‌شود که در اشتباه بوده است و در صورتیکه هر دو در اشتباه بوده باشند، ملحق به هر دو خواهد بود. به هر طرفی که ملحق باشد از او ارث می‌برد (قبله‌ای خوئی، ۱۳۷۶، ص ۲۱). شهید ثانی مینویسد: «اگر مسلمان با بعضی از محارم خود به شبهه ازدواج کند، توارث بین او و اوالدش به‌خاطر نسب برقرار می‌شود، اگرچه نکاح فاسد است» (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ه، ج ۸، ص ۲۲۳). سپس در ادامه به فروض ذیل اشاره می‌کند: ۱- اگر مسلمان در اثر شبهه از دختر خود صاحب دو دختر شود، همه ماترک او میان هر سه دختر به طور مساوی تقسیم می‌شود؛ یعنی دختر اول که همسر اوست، ارث زوجیت نمی‌برد؛ زیرا که سبب فاسد موجب ارث نمی‌شود، برخلاف نسب فاسد که او موجب توارث است. از نظر شهید ثانی می‌توان چنین استنباط کرد که طرفین شبهه از یکدیگر ارث نمی‌برند ولی نسب شبهه از طرفی که شبهه بر او عارض شده ارث می‌برد. اگر شبهه از هر دو طرف باشد ولد شبهه از پدر و مادر خود ارث می‌برد.

۲- اگر یکی از آن دو دختر بمیرد وارث منحصر به فرد او دو دختر دیگر باشد، که یکی مادر اوست ماترک دختر به مادر او که خواهر او نیز هست، میرسد و خواهر دیگر از آن محروم است.

۳- اگر مادر بمیرد، دو دختر دیگر وارث او هستند.

۴- گر پس از مردن مادر، یکی از دخترها نیز بمیرد، دختر زنده که خواهر اوست از او ارث می‌برد (همانجا). این موارد نشان‌دهنده این است که نسب فاسد همانند نسب صحیح است و

مقارنه احكام ولد به شبهه از منظر صاحب جواهر و ابن قدامه/ ۲۱۱

موجب توارث میشود. در تحریرالوسیله آمده است: مسلمان با نسب صحیح و فاسد ارث میبرد. اگر از روی شبهه باشد و اگر مادر خود را اجنبی بداند و با او ازدواج کند و فرزندی از آنها به وجود بیاید، از یکدیگر ارث میبرند (موسوی خمینی، بیتا، ج ۲، ص ۴۰۳).

نفقة حامله به وطی به شبهه و ولد شبهه

صاحب جواهر از شیخ طوسی نقل میکند که در وطی به شبهه نفقه برای حمل ثابت میشود نه حامله (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۲، ص ۳۴۰). اشکال این مسئله در این است که چگونه نفقه بدون در نظر گرفتن مادر به حمل اختصاص پیدا کند. بنابراین مرد باید نفقه حمل را به زن بدهد و قول به اختصاص نفقه برای حمل بیمعنا است.

طبق نظر حنابله:

اگر زن از نکاح فاسد یا وطی به شبهه حامله شود، نفقه وی بر عهده زوج و وطی کننده است؛ چراکه فرزند به وی ملحق میشود (بہوت حنبل، بیتا، ج ۶، ص ۶۳۴). همچنین نفقه او نیز پس از وضع حمل الزم است. هر چند ممکن است گفته شود حامله چون زوجه نیست، نفقه ندارد؛ اما در هر حال نفقه برای زن واجب میشود. اینجا را با جایی که زن در حالیکه حامله است نشوز کند مقایسه کرده اند، زیرا در مذهب حنابله نفقه حامله در هیچحالی ساقط نمیشود؛ چراکه پرداخت این نفقه در حقیقت پرداخت نفقه فرزند است (ابتقدمه مقدسی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۲۳۴).

اگر مردی با زنی از روی اشتباه و به گمان این که آن زن همسر اوست نزدیکی نموده و فرزندی از آنان متولد شود، به چنین فرزندی ولد شبهه می گویند.

البته ممکن است فرزندی نسبت به یکی از زن و مرد، «ولد شبهه» و نسبت به دیگری «ولد زنا» باشد؛ مثل این که زنی با آنکه می دانسته در ایام عده است، با مردی که خبر به این موضوع

نداشته، ازدواج نماید و فرزندی از آنان متولد شود که این فرزند نسبت به پدری که علم به حرمت ارتباط نداشته، «ولد شبهه» بشمار آمده و نسبت به مادرش که می‌دانسته کار حرامی را مرتکب شده، «ولد زنا» است؛ یا ممکن است نسبت به هر دو، ولد شبهه باشد؛ مثل این که در مثال مزبور زن جهل به حکم داشته باشد؛ یعنی می‌دانست که در عده است، لکن حرمت ازدواج در ابام عده را نمی‌دانست، به هر حال، هر جا که فرزندی ولد شبهه باشد، توارث برقرار است؛ یعنی هم زن و مرد از کودک ارث می‌برند و هم کودک از آنها ارث می‌برد. و اگر یکی از آن دو زناکار بوده، ولی دیگری فکر می‌کرده که حلال است، کودک و زانی از همدیگر ارث نمی‌برند، اما کودک نسبت به فردی که فکر می‌کرده ارتباطش حلال است ولد شبهه محسوب شده و از یکدیگر ارث می‌برند.

چه اشتباه ناشی از جهل به حکم بوده و مسئله را نداند و یا ناشی از جهل به موضوع باشد، مثل این که نمی‌دانسته زن در عده است و با او ازدواج و نزدیکی کرده باشد. (فاضل لنکرانی، محمد، رساله توضیح المسائل، ص ۵۱۸، قم، چاپ صد و چهاردهم، ۱۴۲۶ق).

دیدگاه قرآن درباره فرزندی که خارج از ازدواج متولد شدند چیست:

فرزندانی که خارج از ازدواج شرعی متولد می‌شوند، یا ولد الزنا (فرزندی که از راه زنا و رابطه غیر مشروع تولد می‌یابد) بوده و یا ولد الشبهة (یعنی شخصی با زنی به گمان این که زن اوست نزدیکی نماید و بعد فرزندی به دنیا بیاید، به آن فرزند، فرزند متولد شده از روی شبهه گویند.

نتيجه

با بررسي جزئيات احكام شبهه در نكاح معلوم شد فقه شيعه و فقه حنبلي در تمامي احكام، شبهه را ملحق به نكاح صحيح ميدانند و معتقدند همانطوركه نكاح صحيح موجب نشر حرمت ميشود با شبهه نيز مصاهرت ثابت ميشود. همچنين متفق اند كه با جهل زن به حرمت نكاح (شبهه حكميه) يا در عده بودن (شبهه موضوعيه)، مهرالمثل براي وي ثابت ميشود. پس از تحقق وطي به شبهه زن سه طهر بايد عده نگه دارد. صاحب جواهر معتقد است دو عده چه از يك جنس باشند چه از دو جنس، تداخل دارند؛ در صورت تولد فرزند از نزديكي به شبهه معتقدند طفل به هر يك از طرفين كه شبهه در حق او امكان پذير باشد، ملحق ميشود. البته از طرفي كه عالم است، به علت زنا نفي ميشود؛ با برقرارشدن رابطه نسب حكم به ثبوت نفقه و ارث براي ولد شبهه ميكنند، كه از اين طريق استنباط ميشود كه ساير احكام ولد نكاح را نيز در ولد شبهه جاري ميدانند. همچنين با ادعای جهل به حكم يا موضوع، از سمت هر کدام كه شبهه بر او عارض شده است، در صورتيكه جهل در حق او امكان پذير باشد، زنا را منتفي ميدانند و حد را از مشتبه دفع ميكنند.

منابع

قران کریم

۱. انصاری، قدرت‌الله، احکام و حقوق کودکان در اسلام، ج ۱، ص ۲۹۹-۳۰۱، برگرفته از بخش «گفتار سوم: نسب ناشی از شبهه و زنا»، تاریخ بازایی ۲۹/۸/۱۳۹۸. ساعدی، محمد، (مدرس حوزه و پژوهشگر)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. جمعی از نویسندگان، موسوعة احکام الاطفال و ادلتها، ج ۳، ص ۸۴-۸۶.
۳. صدر، سید محمد ص (ادق) ۱۴۱۷هـ. (ماوراء الفقه، بیروت: دارالضواء، چاپ پنجم).
۴. طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، ج ۵، ص ۳۵۰، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۵. عاملی، بهاء‌الدین محمد بن حسین و ساوجی، نظام بن حسین، جامع عباسی و تکمیل آن (محمشی، محقق، مصحح، محلاتی حائری، شیخ علی)، ج ۲، ص ۲۸۰، تهران، مؤسسه منشورات الفراهانی، چاپ اول.
۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، ف، تحرير الاحکام الشرعية، ج ۴، ص ۱۸-۱۹.
۷. فاضل لنکرانی، محمد، رساله توضیح المسائل، ص ۵۱۸، قم، چاپ صد و چهاردهم، ۱۴۲۶قو.
۸. موسسه حقوقی آرازفرتاک بهترین موسسه حقوقی در تهران به شماره ثبت ۴۲۳۹۵ می باشد.
۹. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴هـ). جواهر الکالم في شرح شرائع السالم. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.